



جوابیه مجمع دانشگاهیان آذربایجانی به سخنان اخیر استاندار آذربایجان شرقی

بسمه تعالی

سخنان اخیر استاندار آذربایجان شرقی، جناب آقای دکتر سبحان اللهی در مصاحبه مطبوعاتی وی در خصوص مشکلات آذربایجان و اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی که در برخی از مطبوعات محلی در آذربایجان منتشر گردید، حاوی مطالبی بود که بی شک دل هر فرد دوستدار آذربایجانی را متأثر نمود. سخنان ایشان بعنوان نماینده دولت اصلاح طلب جناب آقای خاتمی، رئیس جمهور محترم کشور، که داعیه قانونمداری و قانونگرایی می باشد، قابل توجه و نیز تا حدی دور از ذهن می نماید. مطالب مطرح شده از سوی ایشان در موارد زیر قابل تأمل می باشد:

۱- ایشان در مورد عدم اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی می فرمایند: "قانون اساسی که حکم قرآن نیست، ممکن است زمانی در تصویب قانون اصولی را منظور کنند و بعد معلوم شود مصلحت کشور نیست که اجرا شود. آیا واقعاً مشکل اصل ۱۵ است؟ چرا باید در این مورد دامن بزیم و وقت صرف کنیم؟ اصلاً کتابها را هم ترکی نوشتند، آن وقت می خواهید چه کار کنید؟ چه چیزی بدست می آید؟ (پیام نو- یکشنبه ۲۳ تیرماه ۱۳۸۱ - سال پنجم - دوره جدید - شماره ۳۱)

"قانون اساسی آیه قرآن نیست و هر اصل آن الزاماً ضرورت اجرایی ندارد، ضمن اینکه مشکل آذربایجانیها آموزش زبان و ادبیات ترکی آذری (!؟) نمی باشد و آموزش آن اهمیت چندانی هم ندارد." (ندای آذربادگان - پنجشنبه ۲۰ تیر ۱۳۸۱ - سال پنجم و یکم - دوره سوم - شماره ۶۶)

چنانچه می دانیم اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منتج از نص صریح قرآن است که اگر غیر این باشد اصل اسلامیت نظام مبتنی بر این قانون زیر سؤال خواهد رفت. چنانچه خود می دانید اصول قانون اساسی مبنای قرآنی دارند و در حقیقت بر این اساس است که اجرای اصول قانون اساسی در حقیقت اجرای اسلام ناب محمدی (ص) می باشد.

حال اینکه این اصل واقعاً مصلحت است یا نه، به دو جنبه بر می گردد. یکی خود موجودیت اصل و دیگری اجراء یا عدم اجرای آن. اینکه اصل ۱۵ اصلاً به مصلحت نیست و بایستی از قانون اساسی حذف گردد، زیرا وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور را زیر سؤال می برد، شعاری است که توسط جرثومه های حکومت منحوس پهلوی بعنوان یک تر مطرح گردیده و عده ای آگاهانه یا ناآگاهانه آنرا نشخوار می نمایند که قدر مسلم تعیین و تبیین این مسئله با نخبگان ملت بوده و در نهایت از طریق همه پرسی می تواند مشخص گردد. اما اینکه اجرای اصل ۱۵ به مصلحت کشور هست یا نه؟ باید گفت استاندار محترم در مقامی نیستند که در این مورد اظهار نظر نمایند. ایشان بعنوان یک مقام ارشد اجرائی و نماینده مستقیم دولت مسئولیت اجرای قوانین مصوب و وظایف محوله و انتقال مسائل و مشکلات موجود در منطقه را به مراجع ذیصلاح داشته و حق تفسیر و تعیین را ندارند.

۲- استاندار محترم در ادامه سخنان خود بیان کرده اند که: "... کدام قسمت از توسعه را بدست می آورید؟ چرا خودتان را می خواهید از قافله تمدن عقب بگذارید؟" (پیام نو- یکشنبه ۲۳ تیرماه ۱۳۸۱ - سال پنجم - دوره جدید - شماره ۳۱)

در خصوص توسعه باید گفت توسعه لفظی است که بایستی تبیین شده و تعریفی واضح از آن ارائه گردد. در بینش اسلامی که این نظام بر مبنای آن استوار است، تمامی تلاشها در راستای بستر سازی برای ارتقاء کرامت و شرافت انسانی است. محوریت توسعه، انسان و ارزشهای والای انسانی می باشد. لذا هر توسعه ای که این ارزشها را مد نظر قرار ندهد در نهایت با ینست روبرو خواهد گشت. در این بین انسانی که از حقوق اولیه بشری و خدادادی محروم است و حق استفاده از آنها را ندارد، چگونه می تواند مراتب کمال را طی نماید؟

از سوی دیگر، در جهان امروزی تعریفی که برای توسعه ارائه می گردد توسعه ای است که همه جانبه بوده و تمامی پارامترهای موثر در توسعه جامع از قبیل شاخصه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در نظر می گیرد. بنابراین بهتر بود استاندار محترم تعریف و منظور خود را از توسعه واضح تر بیان می کردند. چرا که در تعریف ارائه شده از سوی ایشان توسعه حاصله توسعه ای بسیار ناقص است



مخاطبان آن در نهایت با یک خلأ هویت‌جویی روبرو خواهند گشت. اصل ۱۵ قانون اساسی بر اساس مبانی انسانی قرآن مبین و مبانی حقوقی بین‌المللی و کنوانسیونهای بشری در پی ایجاد بستری ولو ناقص می‌باشد تا انسان با شناخت خود و روحیات و کمالات خود، بسوی شناخت حقیقی و کمال معنوی مطلوب دست یابد. زیرا که من عرف نفسه فقد عرف ربه. لذا زیر سؤال بردن اصل ۱۵ قانون اساسی خلع سلاح مدافعان حقوق اولیه انسانها می‌باشد.

۳- در مورد اینکه: "نمایندگان در کنار تنی چند از افراد مشکوک‌نامه‌ای به آقای خاتمی نوشته بودند که اصولاً نباید نمایندگان مردم در کنار نام این افراد نامه را امضا می‌کردند و اگر من نماینده بودم در کنار فلان آقای مجهول‌الهویه امضایم را قرار نمی‌دادم."

آقای استاندار همانگونه که می‌دانید این اولین و آخرین نامه‌ای نیست که از سوی نمایندگان، نویسندگان، روشنفکران، نخبگان، دانشجویان و سایر آحاد ملت آذربایجان به مسئولین نظام نوشته می‌شود. نفس نوشتن نامه یا طومار و انعکاس درخواستها، خود نشانگر حرکتی مدنی و دموکراتیک و برخاسته از تفکری منطقی می‌باشد. این مبین آن است که حرکت مردمی آذربایجانیان، حرکتی دموکراتیک و بر اساس اصول مدنی می‌باشد و تقبیح ضمنی این عمل، خود نشانگر تفکری ضد دموکراتیک می‌باشد که از شما بعنوان نماینده دولتی که داعیه قانون‌گرایی و جامعه مدنی دارد بعید می‌نماید. زیر سؤال بردن نمایندگان یک ملت که هم‌نوا با این ملت، دردها و آلام آنها را منعکس می‌نمایند نشانه عدم تشخیص صحیح جایگاه قانونی شماست. تعیین خط و خطوط و انگ‌زنی نشانگر پس ماند فکری دورانی است که شما بعنوان نماینده این ملت در خانه ملت بمدت چند دوره حضور داشتید و بر اساس این زمینه‌های فکری، امضائی بر پای دادنامه‌های این ملت نزدیک و امروز نیز نخواهید زد. ما اینگونه انگ زنیها به نمایندگان ملت را توهین به آنان و در نهایت اهانت به موکلین آن نمایندگان می‌دانیم و از شما نیز می‌خواهیم جایگاه رفیع نمایندگی را حرمت بدارید. بدانید که خاطره تاریخی، فهم، شعور، قدرت تجزیه و تحلیل ملت آذربایجان بقدری قوی است که قدرت تمیز خادمین خود را از سایرین دارد.

آقای استاندار، عصر حاضر را به عنوان عصر هویت‌جویی ملتها نام‌گذاری کرده‌اند که تمامی علماء، متفکران و نخبگان بشری را به چالش عظیم فراخوانده است. اختراعات، پیشرفتهای علمی و ... گویی عطش سیری‌ناپذیر از هویت‌خواهی را باعث گردیده است، که در صورت عدم دستیابی به پاسخی مناسب، حیات بشری را با خطری جدی مواجه خواهد ساخت. ما فرزندان آذربایجان با آگاهی از وظیفه خود در قبال ملت خویش، از جایگاه علم و دانش اعلام می‌نمائیم که حرکت دموکراتیک ملت آذربایجان در جهت احقاق حقوق حقّه انسانی این ملت بوده و علیرغم وجود مشکلات و موانع فراوان با اتکال به خداوند متعال و با تلاش گسترده فرزندان این مرز و بوم با اراده ای مضاعف نسبت به گذشته به راه خود ادامه خواهد داد.

والسلام علی من التبع الهدی

۸۱/۴/۳۱

مجمع دانشگاهیان آذربایجانی

رونوشت:

- دفتر ریاست جمهوری
- مجمع نمایندگان آذربایجان شرقی
- مجمع نمایندگان آذربایجان غربی
- مجمع نمایندگان اردبیل
- مجمع نمایندگان زنجان
- روزنامه‌ها، نشریات و اصحاب قلم